

Analysis and review of the Quiddity and function of Rusāfas in Islamic urbanity

Mehdi Ezati*

Abstract

cognition the quiddity of the Islamic city, its constituent elements and components requires a deeper study and exploration of concepts and terms used in historical and geographical sources and texts. Studying the evolution of urbanity in the Islamic world shows the formation of various types of cities in Islamic lands. One of the cities of the Islamic world are Rusāfas, which was mostly built near large cities in the first centuries of Islam. However, the history of the origins and evolution of Rusāfa and their use and how they are used is not well known. The present article tries to clarify the exact nature of Rusāfas and how they work and are used in the urbanity of the Islamic world. Based on this, it seems that Rusāfas are a type of Islamic cities with ancient (prime) origin and Islamic components and elements, and they mainly had security, military and entertainment functions. By studying geographical and historical sources and texts, examining important opinions and theories in the urban planning of the Islamic world, and using a descriptive-analytical method, this research will explain the nature and various functions of Rusāfas in the Islamic world.

Keywords: Islamic world, urbanity, Rusāfa, quiddity and function.

* Assistant Professor of History, Razi University, Kermanshah, Iran, ezatimehdi@razi.ac.ir

Date received: 2022/09/11, Date of acceptance: 2022/11/26



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رُصافه‌ها در شهرسازی اسلامی

مهدی عزتی*

چکیده

شناخت ماهیت شهر اسلامی، عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن نیازمند مطالعه و کاوش عمیق‌تر مفاهیم و اصطلاحاتی است که در منابع و متون تاریخی و جغرافیایی بکار برده شده است. مطالعه سیرتحوّلات شهرسازی در جهان اسلام نشان از شکل‌گیری انواع شهرها در سرزمین‌های اسلامی است. یک گونه از شهرهای جهان اسلام، رُصافه‌ها بودند که بیشتر در قرون نخست اسلامی در مجاورت شهرهای بزرگ احداث شدند. با وجود این، سیر تاریخ پیدایش و تحول رُصافه‌ها، ماهیت، کارکرد و نحوه استفاده آنها چندان روشن نیست. نوشتار حاضر درصدد روشن ساختن ماهیت دقیق رُصافه‌ها و چگونگی کارکرد و کاربرد آنها در شهرسازی جهان اسلام می‌باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد، رُصافه‌ها گونه‌ای از شهرهای اسلامی با خاستگاه باستانی (پیشینی) و دارای مولفه‌ها و عناصر اسلامی بوده و عمدتاً کارکردهایی امنیتی، نظامی و تفریحی داشتند. این پژوهش با مطالعه منابع و متون جغرافیایی و تاریخی، بررسی آراء و نظریه‌های مهم در شهرسازی جهان اسلام و با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین ماهیت و کارکردهای گوناگون رُصافه‌ها در جهان اسلام خواهد پرداخت.

کلیدواژه‌ها: جهان اسلام، شهرسازی، رُصافه، ماهیت و کارکرد.

* استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، ezatimehdi@razi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

ارائه تعریفی نسبتاً جامع از مفهوم شهر و شناخت همه جانبه آن نیازمند مطالعه سیر تاریخی شکل‌گیری انواع شهرها در طول دوران اسلامی و در پهنه جهان اسلام است. این امر در پرتو مطالعه و بررسی منابع جغرافیایی و متون تاریخی بالاخص تواریخ محلی امکان‌پذیر می‌باشد. در لابه لای این متون بویژه توصیفات جغرافی دانان از شهرهای اسلامی گونه‌ای از شهرها تحت عنوان «رصفه»ها ذکر شده که مفهوم و ماهیت آن خیلی هویدا نیست. ظاهراً این واژه در قرون نخستین اسلامی به اماکن مختلفی در مناطقی از جهان اسلامی از جمله سرزمین‌های شام، عراق، اندلس، افریقیه و ایران اطلاق می‌شده است. برخی بر این عقیده‌اند که واژه «رُصافه» ریشه در زبان آرامی داشته و بعداً به زبان عربی وارد شده است (حلو ۱۹۹۹: ۲۹۰).

لغت‌شناسان عمداً این واژه را از ریشه «رصف» دانسته که برجایگاه و محل رویش درختان و گیاهان گفته می‌شده است (ابن منظور ۱۴۰۵: ج ۹، ۱۲۰؛ زبیدی ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۲۳۲-۲۲۹). برخی نیز بر این باورند که رصفه بر شهرهای واقع در حاشیه شهر اطلاق می‌شد (شبارو ۲۰۰۲: ۱۱۶).

با وجود این، معنا و مفهوم رصفه چندان روشن و دقیق بیان نشده است و به همین دلیل ماهیت و کارکردهای آن نیز تا حد زیادی مبهم و ناشناخته باقی مانده است. بنابراین، سوالاتی که مطرح می‌باشند اینکه رصفه‌ها در میان گونه‌های مختلف شهرهای اسلامی با چه هدف و انگیزه‌های ساخته می‌شدند و دارای چه کارکردهای بودند؟ اصولاً ماهیت این گونه از شهرها در شهرسازی عصر اسلامی چیست؟ آیا رصفه‌ها گونه‌ای از شهرهای نویناد دوره اسلامی بودند یا اساساً بخشی از شهر و جزو مؤلفه‌ها و عناصر شهرسازی اسلامی به‌شمار می‌رفتند؟ برای روشن شدن این مسائل ابتداء آراء و نظریه‌های محققان حوزه شهرسازی جهان اسلام بررسی خواهد شد و براساس چهارچوب نظریه‌های مطرحه با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین ماهیت و وکارکردهای رصفه‌ها در شهرسازی جهان اسلام خواهیم پرداخت.

این موضوع با رویکردی تحلیلی و جامع‌نگر تا کنون مورد واکاوی و مطالعه قرار نگرفته است. مطالعاتی که انجام شده بیشتر به صورت تک‌نگاری و درباره برخی از رصفه‌های جهان اسلام به ویژه از منظر باستان‌شناختی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است؛ باستان‌شناسان غربی، کولویتس و کارناپ در مقاله‌ی «حفریات الرصفه» نتایج تحقیقات باستان‌شناسی و کشفیات خود را درباره رصفه شام منتشر کردند و پی بردند که این شهر بر ویرانه‌های یک شهر قدیمی رومی بنا شده است. همین رویکرد را مصطفی حسون در مقاله

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رُصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۰۳

«الرُصافه ایام العَساسنه» دنبال کرده و به بررسی و مطالعه رصافه شام (یا هشام) در دوره حکومت آل غسان در قبل از اسلام پرداخته و بیشتر به عناصر کالبدی و ویژگی های باستانشناختی آن را توجه کرده است. درباره همین رصافه کتابی تحت عنوان «رُصافه هُشام و رقه الرشید» توسط فواد بستانی نوشته شده که به شرح و توصیف رصافه شام و هم چنین رصافه رقه در نزدیکی آن پرداخته است. درباره رصافه بغداد نیز مقاله‌ای توصیفی و مروری با عنوان «رُصافه بغداد و اطرافها» توسط صالح احمد العلی منتشر شده که به شرح و توصیف یکی از مهم‌ترین رصافه‌های جهان اسلام پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری شهر اسلامی (چهارچوب نظری)

اصطلاح «شهر اسلامی» از اوایل قرن بیستم میلادی توسط برخی از مستشرقین غربی به ویژه فرانسویان که درباره ساختارشناسی شهر در سرزمین‌های اسلامی مطالعه می‌کردند، مطرح گردید. قبل از آن، در میان دانشمندان و جغرافیدانان مسلمان که بیشتر به توصیف شهرهای اسلامی پرداخته بودند، توجه چندانی به موضوع ماهیت و مفهوم شهر اسلامی و مولفه‌ها و عناصر کالبدی آن نشده بود. در واقع این منابع درباره کاربرد مفهوم شهر اسلامی و گونه‌های مختلف آن به لحاظ کارکردی بحث و نظری واضح و متقنی ارائه نکرده بودند. در میان جغرافیدانان متقدم اسلامی تنها ابو عبدالله مقدسی در کتاب احسن التقاسیم به گونه شناسی انواع شهرهای اسلامی بر اساس مرتبه و وسعت آنها توجه کرده و شهرهای اسلامی را به؛ امصار (کلان شهرها)، قصبات (شهرهای متوسط) و مدون (شهرهای کوچک) تقسیم کرده است. بر این اساس، مقدسی شهرهایی مانند سمرقند، همدان، اهواز، شیراز، مکه، بغداد، دمشق، قیروان، فسطاط و قرطبه را در زمره امصار ذکر کرده و سپس به شرح قصبات و مدائن آنها پرداخته است (مقدسی ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۷-۴۸).

علاوه بر این، از نظر بسیاری از حکما و فلاسفه اسلامی مفهوم شهر به عنوان یک کل واحد نه صرفاً «شهر اسلامی» مبنایی برای طرح برخی از نظریه های اندیشه سیاسی همچون «آرمان شهر» یا «مدینه فاضله» بوده است. این آراء و اندیشه های سیاسی - اسلامی در نزد حکمایی چون فارابی (۱۹۹۵: ۱۱۲-۱۲۷، ۱۱۴)، ابن سینا (۱۳۸۰: ج ۲، ۴۴۱) و ابن خلدون مطرح شده است. در این بین آراء و دیدگاه ابن خلدون، مورخ، فیلسوف و جامعه شناس مسلمان، در خصوص مفهوم شهر و شهرسازی در جهان اسلام بیشتر از دیگران مبتنی بر سیر تحول

تاریخی و واقعیات این پدیده اجتماعی است. بنابر نظریه ابن خلدون ظهور و سقوط تمدن ها و شهرها همزمان و همسان است، زیرا شهر هسته و شالوده اصلی تمدن می باشد. از نظر وی شهرسازی براساس مولفه های خاص، ضرورت های طبیعی و دقت در مکان یابی آن از جمله؛ قابلیت دسترسی آسان، قرارگیری بر فراز بلندی، مجاورت در کنار ساحل یا رودخانه، داشتن آب و هوای مساعد، وجود مزارع قابل کشت و... باید انجام گیرد. ابن خلدون علت ویرانی برخی شهرهای بزرگ جهان اسلام مانند کوفه، بصره و قیروان را عدم توجه به مکان یابی و مولفه های حیات شهر قلمداد می کند (ابن خلدون ۱۹۸۸: ج ۱، ۴۲۷-۴۴۸).

بنابراین، مفهوم «شهر اسلامی» را عمدتاً محققان و مورخان تاریخ هنر و معماری، که مجذوب آثار و ابنیه باشکوه دوره اسلامی به ویژه مساجد و کاخ ها و قصرهای بزرگ شده بودند، شکل دادند. ویلیام مارسه (William Marçais) محقق فرانسوی، نخستین بار چهارچوب مفهوم شهر اسلامی را مطرح کرد. وی براساس دوره حیات مدنی حضرت رسول اکرم (ص) و اهمیت و ضرورت بنای مسجد برای مسلمانان، دین اسلام را اساساً دینی شهری می دانست و با تحلیل زوایای مادی و معنوی شهرهای دوره اسلامی، الگوی متشکل از سه رکن اصلی؛ مسجد جامع، بازار و حمام برای شهرهای اسلامی ترسیم نمود (Marçais 1928: 91-98).

اما بنا به نظر سواژه (Savage)، دیگر محقق فرانسوی، که به بررسی برخی از شهرهای اسلامی در منطقه شامات پرداخته است، شهر اسلامی چیزی جدای از شهرهای کهن و قدیمی در دوره روم باستان و ایران باستان نیست. او معتقد است که پس از اقامت فاتحان مسلمان در شهرهای قدیمی، متناسب با آموزه های دین اسلام تغییراتی در آنها ایجاد کردند. براین اساس، مسجد جای کلیسا را گرفت و خیابان های باریک و کوچه های پیچ در پیچ و محلات مسکونی متعدد به جای خیابان های عریض و میدان ها بزرگ ساخته شد (Raymond 2002: 3-4).

لاپیدوس (Lopidus)، با وجود اینکه ویژگی های مشترک شهرهای جهان اسلام را پذیرفته است، اما براین باور است که شهر های اسلامی در مناطق گوناگون جهان اسلام دارای مشخصات، شکل بندی منحصر به فرد و متفاوت از هم هستند (Lopidus, 1973: 51). به نظر او مطالعات صورت گرفته تنها درباره شمار اندکی از شهرهای سنتی و بزرگ جهان اسلامی هم چون فاس، قاهره، دمشق، حلب، بغداد، سامرا و نیشابور انجام شده و به همین خاطر نمی توان به طور دقیق و مشخص ساختار و ارکان شهرهای اسلامی را یکسان دانست (ibid).

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رُصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۰۵

ریچارد اتینگهاوزن (Richard Ettinghusen) نیز معتقد است که در مطالعات انجام شده بیشتر به عناصر کالبدی تأسیسات اصلی شهر مانند: مساجد، مدارس، کاخ‌ها، قلعه و مصلی‌ها، حمام و باغ‌ها پرداخته شده است. به عقیده وی در بررسی شهرهای اسلامی چندان به ماهیت عملکردی عناصر کالبدی تک بناها و تبیین آن‌ها به عنوان رکنی از سازواره رشد یابنده در شهر پرداخته نشده است. (Ettinghusen 1973: 290-293)

احمد اشرف معتقد است که در عصر اسلامی دو نوع شهر وجود داشته، یکی شهرهای کهن و باستانی که در این دوره رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. و دیگر شهرهای که در دوره اسلامی تأسیس شدند (اشرف ۱۳۵۳: ۱۴). به نظر وی شهر در دوره اسلامی از یک سو تداوم سنت شهر نشینی در دوره ساسانی است، زیرا وضع سیاسی (اداری و نظامی)، اقتصادی و اجتماعی شهر هم چنان پابرجاست. از طرف دیگر در دوره اسلامی حیات شهر دست‌خوش دگرگونی‌هایی مذهبی شد و سازمان‌های دینی بنیان و شالوده اصلی زندگی شهری شد (اشرف ۱۳۵۳: ۱۰).

حبیبی (۱۳۸۳: ۴۰ - ۴۱) در کتاب از شار تا شهر به تحول و دگرگونی مفهوم شهر دوره باستان (ساسانی و رومی) در دوره اسلامی اشاره می‌کند و معتقد است که در دوره اسلامی «شهر - قدرت» عصر ساسانی که بیانگر حکومت قاهره مرکزیت و نیز شهر دولت‌های یونانی و رومی جای خود را به «شهر - شریعت» می‌دهد. ایشان وجود شهر برای دولت اسلامی را ضروری دانسته و مدعی است که تنها در شهر آرمان‌ها، فرامین و مقررات اسلامی امکان تحقق دارند.

بنابراین، به نظر می‌رسد صاحب نظران و محققان این حوزه به طور کلی شهر نشینی و شهرسازی در دوران اولیه اسلامی (قرون نخست اسلامی) را به دو گونه اصلی تقسیم‌بندی کرده‌اند:

- نخست شهرهای کهن و باستانی که به دست اعراب فتح شده و به شیوه اسلامی بازسازی گردید.

- دوم شهرها نوبنیادی که خود اعراب مسلمان بنا کردند. این نوع شهرها هر یک دارای کارکرد و ماهیتی مشخص و مجزایی بودند. برخی از شهرها مانند: کوفه و بصره، فسطاط و... ماهیت و کارکردی نظامی داشتند. برخی از شهرهای نوبنیاد، شهرهایی بودند که با شکل‌گیری دولت‌ها، سلسله‌ها و حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل بوجود آمدند. مانند: بغداد (توسط عباسیان) قاهره (توسط فاطمیان)، فاس (توسط ادریسیان) و...، برخی از

شهرها نیز بخصوص در ایران در اطراف زیارتگاه‌ها و مقابر امامان بنا شدند. مانند: کربلا، نجف، قم و مشهد. در دوره‌های بعد با گسترش جمعیت و رونق مبادلات تجاری و بازرگانی شهرهایی با ویژگی‌های تجاری و بازرگانی در مسیر راه‌های مهم تجاری شکل گرفت مانند: نیشابور، شیراز، سیراف، تبریز و ...

۳. عناصر اصلی و کالبدی شهر اسلامی

با این توضیحات، به نظر می‌رسد شناخت و ماهیت شهر اسلامی و عناصر و اجزاء تشکیل‌دهنده آن نیازمند مطالعه و بررسی عمیق‌تر مفاهیم و اصطلاحاتی است که از سوی جغرافی‌دانان مسلمان در منابع جغرافیایی در توصیف این شهرها استفاده شده است. زیرا به کمک منابع متعدد جغرافیایی در عصر اسلامی، می‌توان تصویر نسبتاً کامل‌تری از ساختار و سازمان کالبدی و فضایی شهرهای جهان اسلام ارائه داد. اساساً جغرافی‌نویسان مسلمان در وصف شهرهای گوناگون جهان اسلام عناصر اصلی شهر اسلامی از جمله؛ مساجد جامع، دارالاماره (با قصر و کاخ‌های، بازار، حصار، کهندژ، شارسنجان (شهرستان) و ریض را توصیف و بیان کرده‌اند.

از همان آغاز عصر اسلامی، الگوی بافت و ساخت شهر مدینه البنی در شهرهای نوین (کوفه، بصره) و شهرهای فتح شده (دمشق، همدان، اصفهان، ری و مرو...) تأثیر گذاشت و در همه این شهرها عناصر کالبدی و اصلی مسجد جامع و دارالاماره به تاسی از مسجد و خانه پیامبر (ص) تأسیس شدند (حبیبی ۱۳۸۳: ۴۶-۴۲؛ کوئنو ۱۳۸۴: ۶۱-۱۰۴؛ بنه ولو ۱۳۹۳: ۷-۱۶) در این میان، مسجد به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه شهر اسلامی از اعتبار و کارکرد مذهبی و اجتماعی زیادی برخوردار بود. بطوری که بدون وجود آن، مفهوم شهر اسلامی به رسمیت شناخته نمی‌شد (اشرف ۱۳۵۳: ۱۰، ۱۳).

عناصر دیگر شهر اسلامی بازار بود، علاوه بر کارکرد تجاری از اهمیت مذهبی و سیاسی نیز برخوردار بود. (حبیبی ۱۳۸۳: ۴۶-۴۸). معمولاً برخی از تأسیسات مهم شهری مانند: مسجد، مدرسه، محکمه، محتسب و دیگر نهادهای اداری در مجاورت بازاری قرار داشتند. ارگ و کاخ‌ها در دوره اسلامی جایگزین کهندژ در شهرهای ایران باستان به شمار می‌رفت و این بخش به همراه مسجد و بازار سه رکن اصلی شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داد (نظریان، ۱۳۸۸: ۹۰). محلات شهر بخش مهمی از شهر بود که اجتماعات و گروه‌های قومی و قبیله‌ای، مذهبی، اصناف و پیشه‌وران در آنجا سکونت داشتند (اشرف ۱۳۵۳: ۳۸). در واقع این بخش همان

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۰۷

شارستان یا شهرستان باستان بود که سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان و صنعت‌گران بود و معمولاً با حصار و دیواری احاطه شده بود (سلطانی زاده ۱۳۶۵: ۶۸؛ حبیبی ۱۳۸۳: ۴۹، ۶۳). در شهرهای بزرگ گاهی هر محله به صورت شهری (یا شهرکی) مجزا با بازار، مسجد، مدارس، گرمابه و ... خاص خود بود (اشرف ۱۳۵۳: ۳۹). کاخ و قصر حاکمان و سلاطین نیز در همین محدوده بازار ساخته می‌شد (lapidous 1973: 63). شهرها معمولاً با حصارهایی در اطراف آن حفاظت می‌شد و دروازه‌های اصلی شهر که بیشتر در جهات چهارگانه جغرافیایی بود، جزو عناصر اصلی شهرها به شمار می‌رفت.

یکی دیگر از ویژگی‌های شهرهای اسلامی وجود روضها در حومه و پیرامون شهرها بود. این بخش معمولاً مجموعه‌ای مسکونی واقع در خارج از دیوارهای شهر که یا محصور و یا بدون حصار بود. در واقع می‌توان گفت روضها همان محلات پیرامونی خارج از بخش اصلی شهرهای باستانی یا همان شارستان بودند که پس از اسلام و در هم شکستن حصارهای طبقاتی و اجتماعی، در عصر اسلامی توسعه و گسترش بسیار پیدا کردند در عوض شارستان‌ها (شهر درونی) از رونق و توسعه باز ایستادند (اشرف ۱۳۵۳: ۲۱؛ حبیبی ۱۳۸۳: ۵۰). روضها با گستره پهناور و عناصر کالبدی مانند مسجد، بازار، کاروانسرا، حمام و ... به شهری کوچک شبیه بودند. از آنجا که رصافه‌ها نیز مانند روضها در حومه و پیرامون شهرها قرار داشتند این سوال به ذهن متبادر می‌شود که رصافه‌ها چه تفاوتی با روضها داشته و وجه تمایز آنها چیست؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست به چگونگی و میزان پراکندگی رصافه توجه نمود. با بررسی و مطالعه متون جغرافیایی با این واقعیت روبرو می‌شویم که اکثر رصافه‌ها در جهان اسلام فقط در مجاورت و نزدیکی کلان شهرهای (امصار) اسلامی بنا می‌شدند. شهرهایی هم چون؛ دمشق (پایتخت امویان)، بغداد (پایتخت عباسیان)، قرطبه (پایتخت امویان اندلس)، قیروان (پایتخت اغلییان) و ... بنابراین، رصافه‌ها اختصاص به شهرهای بزرگ و حاکم نشین داشته و در حومه و نزدیکی این شهرها [در فاصله نه چندان دور] تاسیس می‌شدند، اما اساساً روضها در شهرسازی اسلامی از عناصر کالبدی شهر [بدون فاصله و چسبیده به خود شهر] و جزو لاینفک تمام شهرهای اسلامی محسوب می‌شدند.

به هر ترتیب عناصر اصلی شهر و شکل فضای کالبدی آن‌ها در دوره‌های مختلف اسلامی دچار تحول و دگرگونی‌هایی نیز شد. ولی می‌توان گفت که عناصر اصلی شهر اسلامی در قرون نخستین اسلامی همان مسجد، بازار و محله (روض) بودند. در این میان، منابع تحقیقات جدید چندان به رصافه‌ها توجهی ندارند و به همین جهت دقیقاً مشخص نیست که این گونه از

شهرنشینی اسلامی را می‌بایست در قالب نوع خاصی از شهرهای اسلامی قلمداد کرد یا اینکه این اصطلاح بر بخش و عنصری از برخی شهرهای اسلامی وضع شده است. برای روشن شدن این مسئله لازم است رصافه‌های جهان اسلام مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرند تا فهم و شناخت بهتری از این نوع شهرها و کارکردهای آن حاصل شود.

۴. رصافه‌ها در جهان اسلام

۱.۴ رصافه هشام (یا رصافه شام)

براساس گزارش‌های باستان‌شناسی قدمت این مکان به قرون اول و دوم میلادی می‌رسد و ویرانه‌های آن در جنوب غربی شهر رقه پیدا شده است (گولویس و کارناپ ۱۹۶۴: ۲۷۳). ابن عدیم رصافه شام را جزو نواحی حلب ذکر کرده که با جبل البشر چهار فرسخ فاصله داشته است (ابن عدیم بی تا: ۱، ۴۳۱). در متون آشوری و سریانی مربوط به قرن چهارم میلادی این مکان با عنوان «رصاصا» یا «رصافا» ذکر شده است (بستانی ۱۹۸۵: ۴۱؛ حلو ۱۹۹۹: ۲۹۰). این مکان در قرن چهارم میلادی به خاطر وجود قبر سرجیوس (Sergios)، راهب آتنی، به سرجیوپولیس (Sergio Polis) مشهور بوده است. در زمان غسانیان، حارث بن جبلة حاکم عرب مسیحی غسانی کنیسه‌ای بر روی قبر آن بنا کرد و به تدریج در نزد تمام مسیحیان به ویژه یعقوبیان احترام و قداست زیادی یافت. (علی ۱۹۷۸-۱۹۷۶: ۲، ۴۱۱-۴۱۳؛ بستانی ۱۹۸۵: ۴۱). بنابراین، رصافه مذکور در دوره حکومت غسانیان به شهر بزرگی تبدیل شد و عرب‌های مسیحی و یعقوبیان در آنجا سکنی گزیدند (یاقوت حموی ۱۹۹۵: ۳، ۴۷؛ حسون ۱۴۰۳: ۸۴). این شهر آن چنان گسترش پیدا کرد که در زمان امپراتور آناستاسیوس اول (Anastasius I) (ح. ۴۹۱-۵۱۸م) برای مدتی پایتخت (موقت) روم شرقی شد و به همین دلیل این شهر در همین دوره، آنستاسیوپولیس نام گرفت (بستانی ۱۹۸۵: ۴۵؛ حسون ۱۴۰۳: ۹۰). اما در حمله خسرو پرویز (ح. ۶۲۸-۵۹۰م) در سال ۶۱۶ میلادی تمام این شهر تخریب و از بین رفت و تا زمان هشام بن عبدالملک (ح. ۱۰۵-۱۲۵) هیچ یاد و ذکری از آن به ویژه در منابع فتوح نیست (همان: ۴۶).

در منابع و متون اسلامی اولین بار از این مکان در عصر هشام بن عبدالملک یاد می‌شود و با عناوین گوناگون هم چون رصافه هشام، رصافه شام، رصافه دمشق، رصافه جزیره، رصافه رقه ذکر شده است (بلاذری ۱۹۸۸: ۲۴۷؛ یاقوت حموی ۱۹۶۵: ذیل «رصافه الشام»؛ ابن عدیم، بی تا:

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۰۹

ج ۱، ۴۳۵ - ۴۳۶؛ قدامه بن جعفر ۱۹۸۱: ۱۱۷). بنابر روایات اسلامی، هشام بن عبدالملک برای در امان ماندن از طاعون به خرابه‌های این شهر قدیمی رفت و در آنجا دو قصر بنا کرد و در فصل تابستان در آنجا اقامت می‌کرد (ابن عدیم بی تا: ج ۱، ۱۱۴). توجه و اهتمام ویژه‌ی هشام موجب توسعه و رونق این رصافه شد (طبری ۱۹۶۲-۱۹۶۷: ۷، ۲۰۷؛ ابن عدیم، بی تا: ج ۱، ۱۱۳، ۴۵۰-۴۵۱). برطبق کشفیات باستان شناسی، از این محل علاوه بر کاخ‌ها، آثار و بناهایی همه چون مسجد، باغ‌ها، دیوارهایی با برج‌های مراقبت به دست آمده است. (بهنسی ۱۹۷۵: ۲۹-۲۶؛ Creswell, 1988: 146-149).

پس از هشام بن عبدالملک، خلفای واپسین اموی توجه چندانی به رصافه شام نکردند و روبه ویرانی گذاشت. به نظر می‌رسد، این مکان در دور عباسی صرفاً اقامت موقت برای مسافرانی بوده که در مسیر راه رقه به سوی دمشق تردد می‌کردند (ابن خردادبه ۱۸۸۹: ۹۸). برای مدتی، رصافه هشام جزو ایالت قنسرین بود (همان: ۷۵)، اما از عصر هارون الرشید در شمار شهرهای مرزی و عواصم درآمد (ابن فقیه ۱۴۱۶: ۱۶۱).

اهالی شهر رصافه شام در حمله مغول به سال ۶۵۸ هجری امان یافتند و در دوره تسلط مالیک برشام، ساکنان آن به دلایل نامعلومی به شهرهای اطراف نظیر سلمیه و حماه مهاجرت کردند و از آن پس شهر رو به فراموشی و ویرانی رفت (ابن فقیه ۱۴۱۶: ۱۶۱؛ غزی ۱۹۹۳-۱۹۹۱: ج ۱، ۳۷۳ - ۲۴۷: ج ۳، ۶۰۴).

۲.۴ رصافه ابوالعباس (یا رصافه انبار)

دومین رصافه در جهان اسلام توسط ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۷ هـ). اولین خلیفه عباسی در سال ۱۳۴ هـ ساخته شد. اطلاعات خیلی کمی درباره این رصافه در منابع تاریخی و جغرافیایی وجود دارد و بنابر روایات موجود، ظاهراً این رصافه نام قصر و کاخی بود که ابوالعباس سفاح پس از آغاز خلافت بنی عباس در نزدیکی شهر انبار بنا کرده و کمی بعد شهر جدید هاشمیه نیز در مجاورت آن احداث گردید (بلاذری ۱۹۸۸: ۲۸۱؛ یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۶).

۳.۴ رصافه قرطبه

سومین رصافه در سرزمین اندلس به دستور عبدالرحمن اول (ح ۱۳۷-۱۷۲ هـ)، مؤسس حکومت امویان اندلس، در سال ۱۳۸ هـ در شمال غربی شهر قرطبه پایتخت امویان احداث شد.

عبدالرحمن به محض ورود به اندلس و استقرار در قرطبه قصر تابستانی با باغ‌های زیبا در نزدیکی شهر قرطبه ساخت. به نظر می‌رسد، او در ساخت این شهر از پدر بزرگش، هشام بن عبدالملک در شام تأثیر پذیرفته بود (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۱، ۴۸؛ عنان ۱۹۹۷: ج ۱، ۴۳۶). عبدالرحمن بیشتر اوقاتش را در این قصر و باغ‌های زیبای پر از درختان آنار، خرما و انجیر سپری می‌کرد. (مقری ۱۹۶۸: ج ۱، ۴۶۶ - ۴۶۷).

رصافه قرطبه در عهد محمد بن عبدالرحمن (ح. ۲۳۸ - ۲۷۳ هـ) مورد توجه قرار گرفت و بنا به دستور وی قصر جدش باسازی و بر وسعت باغ‌ها و گردشگاه‌های آن افزوده شده و درختان نادری در آنجا کاشته شد. بنابر روایت یاقوت حموی، برخی از شاعران دوره اموی اشعاری در توصیف و ستایش این شهر شعر سروده‌اند و تعدادی از دانشمند و مشاهیر اسلامی همه چون ابن زیدون، محمد بن فتوح حمیری، یوسف بن مسعود الرصافی و ... به این رصافه منسوبند (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۱، ۴۸، ۴: ۳۲۴).

در همین اندلس، رصافه‌ای دیگر در نزدیک شهر بلنسیه (Valencia) توسط عبدالله فرزند عبدالرحمن اول بنا شد. این رصافه نیز در واقع قصری بود که در دارای باغ‌ها، مزارع و چاه‌های آب و به تقلید از رصافه قرطبه تأسیس شده بود (مقری ۱۹۶۸: ج ۱، ۱۷۹: عبادی، بی تا: ۱۳۸).

۴.۴ رصافه بغداد

مشهورترین و بزرگترین رصافه در میان رصافه‌های جهان اسلام، رصافه بغداد است. این مکان، در واقع شهری یا شهرکی در جانب شرقی رودخانه دجله در مجاورت شهر نوینباد بغداد بود. بنای رصافه به فرمان منصور (ح ۱۳۶ - ۱۵۸ هـ)، پس از ساخت شهر بغداد و در سال ۱۵۱ هجری آغاز شد. بیشتر منابع جغرافیای اسلامی این رصافه را تحت عنوان «مدینه» یا شهر یاد کرده‌اند (یعقوبی ۱۴۲۲: ۲۰۱؛ یاقوت حموی ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۶). منصور عباسی این شهر را به منظور اقامت فرزند و ولیعهدش مهدی و سپاهیان تحت امر او ساخت. به همین خاطر به «عسکر المهدی» هم معروف شد (طبری ۱۹۶۲-۱۹۶۷: ج ۸، ۳۷-۳۹: خطیبی بغدادی ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۹۴). منصور بنا به ملاحظات امنیتی این شهر را خارج از محدوده شهر بغداد ساخت تا از یک سو در مواقع شورش و نا امنی احتمالی در بغداد، این نیروها به کمک او بشتابند و از سوی دیگر، از شورش احتمالی سپاهیان در بغداد جلوگیری کند (طغوش ۱۳۸۳: ۶۳؛ مکی؛ ۱۳۸۳: ۱۲۵).

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۱۱

کار ساخت شهر رصافه تا سال دوم خلافت مهدی عباسی (ح- ۱۵۸-۱۶۹ هـ) طول کشید. مهدی در توسعه و گسترش این شهر تلاش کرد و به تخطیط و یا قطعه بندی و آبادانی آنجا پرداخت (حمیری ۱۹۸۴، ۳۶۹-۴۲۰؛ العلی ۱۴۱۱: ۶). ازاین رو، علاوه بر ساخت مسجد جامع، قصری در نزدیکی آن و میدان و باغی هم بنا کرد. هم چنین مهدی با ایجاد دیوار و خندقی در اطراف شهر، آنجا را محصور کرد و نهری با نام «نهر مهدی» در آنجا جاری کرد (ابن فقیه ۱۴۱۶: ۲۸۹، یعقوبی ۱۹۸۸: ۲۵۱).

برخلاف شهر بغداد که با رودخانه دجله محصور شده بود و به همین جهت از سمت غربی با محدودیت توسعه مواجه بود، شهر رصافه چنین محدودیتی نداشت و در نتیجه وسعت آن بسیار زیاد شد تا جایی که محدوده آن به اندازه بغداد توسعه پیدا کرد (طقوش ۱۳۸۳: ۶۳). مهدی قطعه زمین های بسیاری به نزدیکان و بعضی از فرماندهان نظامی و اداری اعطا کرد و به تدریج تجار و مردم عادی هم در محلات آنجا مسکن گزیدند (یعقوبی ۱۹۸۸: ۲۵۱ - ۲۵۴). ظاهراً ساخت شهر رصافه در سال ۱۵۹ هجری و در همین دوران خلیفه مهدی عباسی به اتمام رسید (طقوش ۱۳۸۳: ۶۳؛ ابن فقیه ۱۴۱۶، ۲۹۰).

پس از دوران خلافت مهدی، برخی از خلفای عباسی مانند مأمون (ح- ۱۹۸-۲۱۸) و مستعین بالله (ح- ۲۴۸-۲۵۲) به صورت موقت در قصر رصافه اقامت داشتند. احتمالاً در سال های بعد این قصر بیشتر مکان حرمسرای خلفای عباسی بوده است (ابن طیفور ۲۰۰۲: ج ۱، ۹-۱۰؛ العلی ۱۴۱۱: ۲۸-۲۹). مسجد شهر رصافه از مساجد بزرگ به شمار می رفت و عنوان مسجد جامع داشت و در اواخر عهد عباسی به «جامع مهدی» شهرت یافت. علاوه براین، مسجد جامع رصافه، مرکز مطالعه و محلی برای اقامت عالمان علوم دینی به ویژه علم حدیث بوده است (خطیب بغدادی ۱۴۲۲: ج ۴، ۳۷، ۸۲، ۱۰۹؛ ج ۷، ۱۴۱؛ طبری ۱۹۶۲-۱۹۶۷: ج ۳، ۴۰۸-۴۱۱).

شهر رصافه تا اواسط قرن چهارم رونق داشته، اما پس از این تاریخ کمتر مورد توجه قرار داشته و به تدریج خالی از سکنه شده است (العلی ۱۴۱۱: ۱۶-۱۷). ظاهراً پس از این تاریخ، فقط مسجد جامع و قبرستان آن، که مدفن حدود سی تن از خلفای بنی عباس و مدفن ابوحنفیه پیشوای مذهب حنفی بود، باقی مانده است (ابن حوقل ۱۹۳۸: ۲۴۱؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۶؛ ابن بطوطه ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۵). یاقوت حموی در قرن ششم هجری رصافه را شهری ویران مشاهده کرده است (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۶).

۵.۴ رصافه کوفه

این رصافه به دستور ابوالخصیب غلام منصور عباسی در مجاورت شهر کوفه بنا گردید. بنا بر گزارش بلاذری این قصر بر اساس طرح قصرها و خورنق‌های عصر ساسانی ساخته شده است (بلاذری ۱۹۸۸: ۲۸۱). یاقوت حموی در جایی اشاره به رصافه‌ی کوفه می‌کند که به دستور منصور عباسی ساخته شده (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۹؛ برقی ۱۴۲۴: ۱۹۲) و در جایی دیگر قصر ابوالخصیب را توصیف می‌کند که در نزدیکی رصافه بغداد یا در محله کرخ به دستور خلیفه ساخته شده است (همان؛ ج ۴، ۳۵۴؛ ابن فقیه ۱۴۱۶: ۲۱۸).

۶.۴ رصافه بصره

توصیف چندان زیادی از این رصافه در منابع جغرافیایی وجود ندارد. بر اساس گزارش یاقوت حموی این رصافه شهری کوچک در مجاورت بصره بوده که عالمان و راویانی از جمله؛ ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن احمد الرصافی و ابوالقاسم الحسن بن علی بن ابراهیم المقری الرصافی به این شهر منسوب بوده‌اند (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۶).

۷.۴ رصافه قیروان

این رصافه در سال ۱۸۴ هـ بنا به دستور ابراهیم بن اغلب (ح ۱۸۴-۱۹۷ هـ. ق) مؤسس حکومت بنی اغلب در نزدیکی شهر بزرگ و پایتخت اغلبیان ساخته شد. پس از اتمام بنای کاخ و قصرهای آن، امراء اغلبی از دارالاماره قیروان بدانجا نقل مکان کردند (بکری ۱۹۹۲: ج ۲، ۶۸۰؛ حمیری ۱۹۸۴: ۴۷۰). یاقوت حموی از این رصافه تحت عنوان «قصر قیروان» یاد کرده و آنجا را شهری بزرگ در چهار مایلی قیروان توصیف می‌کند (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۴، ۳۶۲). این رصافه دارای مسجد جامع و صومعه‌ای ساخته شده با آجر و ستون‌هایی در لاطقه، حمام‌های بسیار، بازار و جوی‌های روان بوده است. هم چنین بوستان‌های بسیار خرم و وسیعی در اطراف آن ایجاد شده بود (همانجا).

۸.۴ رصافه واسط

درباره چگونگی احداث رصافه واسط نیز اطلاعاتی چندانی در منابع جغرافیایی و تاریخی نیست. تنها برخی از منابع جغرافیایی به این رصافه اشاره کرده‌اند؛ بنا بر توصیف این

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۱۳

منابع رصافه واسط دهی در فاصله ۱۰ فرسخی واسط و جزو کارگزاری‌های این شهر به شماره می‌رفته است. حسن بن عبدالمجید الرصافی از عالمان حدیث منتسب به این روستا بوده است (قدامه بن جعفر ۱۹۸۱: ۸۱؛ یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۹۰؛ ابن عبدالحق بغدادی ۱۴۱۲: ج ۳، ۶۱۷).

۵. مؤلفه‌ها و کارکردهای رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی

۱.۵ رصافه‌ها؛ شهرهایی با منشأ و خاستگاه رومی - ایرانی بودند.

قبلاً اشاره شد که یکی از نظریه‌های مطرح شده درباره مفهوم شهر اسلامی و عناصر سازنده آن، تأکید بر الگوپذیری شهرسازی اسلامی از شهرهای کهن و قدیمی در روم و ایران باستان است (رجوع شود به صفحه ۱۳ همین نوشتار). از آنجا که اولین رصافه در جهان اسلام در سرزمین شام و در قلمرو نفوذ فرهنگ و تمدن روم باستان توسط هشام بن عبدالملک ایجاد شد و در واقع خلیفه اموی رصافه خود (رصافه شام) را بر ویرانه‌های شهر آنستاسیوپولیس ساخت، به همین جهت می‌توان گفت لااقل رصافه شام متأثر از شهرنشینی عصر رومی بوده است. از طرفی، اعراب مسلمان شهر نوین رصافه را با مؤلفه‌ها و عناصر سازنده اسلامی کاملاً بازسازی کردند. در همین دوره خلفای اموی که به طور کلی متأثر از فرهنگ و تمدن سریانی و رومی بودند، رصافه‌های دیگری در شام و اندلس تأسیس کردند که می‌توان به رصافه‌ی دمشق، رصافه‌ی رقه، رصافه‌ی مصیاف، رصافه‌ی قرطبه و ... اشاره کرد. بعید نیست نام و عنوان رصافه نیز ریشه در زبان و متون سریانی و رومی داشته باشد، زیرا قبلاً هم اشاره شد که در متون کهن آشوری و سریانی مربوط به قرن چهارم میلادی از این مکان با نام «ارصاپا» یا «رصافا» یاد شده است و شباهت این واژه با واژه «رصافه» غیر قابل انکار است.

براین اساس به نظر می‌رسد، رصافه‌ها در جهان اسلامی منشأ و خاستگاه کهن و قدیمی داشته‌اند و همین الگو در دوره عباسیان به ویژه در عصر اول عباسی (۱۳۲ - ۲۳۲ ه. ق) مبنای تأسیس برخی شهرها با همین عنوان شده باشد. البته از آنجا که عباسیان تحت تاثیر فرهنگ و تمدن ایران در دوره باستان بویژه عهده ساسانیان بودند، الگوی آنها بیشتر خورنق‌های عهد ساسانی بود و به همین جهت است که برخی از رصافه‌ها را بر جای همان خورنق‌ها دوره ساسانی بنا کردند (رجوع شود به رصافه کوفه).

۲.۵ رصافه‌ها؛ شهر - قدرت‌هایی با ویژگی‌های اسلامی

بررسی و مطالعه رصافه‌ها در جهان اسلام نشان داد که اکثر این نوع از شهرها یا شهرک‌ها به منظور ساخت و بنای کاخ‌ها و قصرها جهت اقامت خلفای اموی و عباسی و همه چنین حاکمان و امیران سلاطین دیگر بوده است. قبل از اسلام، هم در روم و به ویژه در ایران عصر ساسانی، کاخ و کوشک‌های پادشاهان و امپراتوران معمولاً به صورت محصور در میانه شهر بنا می‌شد. این محدوده که برخی از آن به عنوان «شهر - قدرت» در دوره باستان یاد کرده‌اند (حبیبی ۱۳۸۳: ۴۰-۴۱)، در عصر اسلامی با توجه به آموزه‌های دین اسلام و از بین رفتن حصارهای طبقاتی، دگرگون شد. بدین ترتیب که به جای کاخ‌ها و قصور پادشاهان مسجد به نماد توحید و شریعت و به عنوان مؤلفه و عنصر اصلی شهر درآمد و دارالاماره‌ها بدون دیوار و حصار در حاشیه و جنب مساجد جامع قرار گرفتند (اشرف ۱۳۵۳: ۱۰). اما با گسترش خلافت اسلامی و فربه شدن تشکیلات سیاسی، اداری و نظامی مسلمانان از یک سو، و جهت‌گیری سیاست‌های مادی و دنیوی خلفای اموی و عباسی و تبدیل خلافت به سلطنت و پادشاهی از طرف دیگر، استقرار خلفای و حاکمان در وسط شهر بدون هیچ‌گونه حصار و حفاظی را توجیه ناپذیر می‌کرد. زیرا با وجود مخالفان و دشمنان بسیار امنیت آن‌ها به مخاطره می‌افتاد. لذا برای در امان ماندن از تهدیدات مختلف، خلفای اموی و عباسی و برخی از کارگزاران آن‌ها ترجیح می‌دادند کاخ‌ها و قصور خود را به خارج از محدوده شهر منتقل کنند. از اینرو، شهر - قدرت‌های باستان به شهر - قصرهای اسلامی یا همان رصافه‌های اسلامی مبدل شدند. بزرگترین و مهمترین رصافه‌های جهان اسلام مانند: رصافه هشام در شام، رصافه بغداد در عراق، رصافه قرطبه در اندلس و رصافه قیروان در افریقه دارای چنین ویژگی‌هایی بودند.

۳.۵ رصافه‌ها و عناصر شهرسازی اسلامی

با وجود اینکه رصافه‌ها در وهله اول تنها با هدف و انگیزه بنای قصرها و اقامتگاه‌هایی جهت اقامت خلفاء، ولیعهدها و امراء تأسیس می‌شدند، اما با گسترش و ساخت ابنیه، ساختمان‌های اداری، نظامی و مسکونی، این محدوده به شهرک و حتی شهری با دارا بودن تمام عناصر اصلی شهر تبدیل می‌شدند. بنابراین، علاوه بر وجود قصرها و کاخ؛ مساجد، بازار و محلات مختلف نیز پیرامون آنها ساخته می‌شد. رصافه هشام، رصافه بغداد و رصافه قرطبه مثالی برای وجود چنین عناصر شکل دهنده شهر هستند (شریف ادیسی ۱۴۰۹؛ ج ۲، ۶۴۹). حتی برخی از

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۱۵

رصافه‌ها مانند: قرطبه دارای ریض (یکی از عناصر کالبدی شهر اسلامی) هم بوده است (مقری ۱۴۱۹؛ ج ۱۰، ۱۷۳). شاید بتوان گفت که رصافه بغداد از این منظر کامل‌ترین و بزرگ‌ترین رصافه‌ای بود که تمام عناصر شهرنشینی و شهرسازی اسلامی را دارا بود. بنابراین به نظر می‌رسد که تأسیس رصافه در جهان اسلامی روند روبه رشدی را در طی قرون اول و دوم هجری طی کرده‌اند و اواسط قرن دوم هجری با ساخت رصافه بغداد به اوج رشد و شکوفایی خود رسیده است. تفاوت و تمایز این نوع شهرسازی با دیگر شهرها اسلامی غلبه عناصر قدرت (وجود قصرها و عسکرها) بر دیگر عناصر سازنده شهر اسلامی است.

۴.۵ رصافه، شهری با کارکرد امنیتی - نظامی

اولین و مهم‌ترین انگیزه خلفا و حاکمان اسلامی از ایجاد و تأسیس رصافه در جهان اسلام مصون ماندن از خطرات و تهدیدات گوناگون بود. هرچند گفته شده هشام بن عبدالملک برای درمان ماندن از شیوع بیماری طاعون رصافه شام را بنا کرد (ابن عدیم، بی‌تا: ج ۱، ۱۱۴)، ولی پس از رفع بیماری طاعون این محل را برای استقرار خویش انتخاب کرد. با وجود اینکه دمشق تختگاه رسمی امویان بود ولی هشام بیشتر اوقات را در آنجا سپری می‌کرد (ابن عدیم، بی‌تا: صفحات مختلف). همین موضوع درباره انگیزه ساخت رصافه بغداد هم صدق می‌کند و به اذعان منابع منصور عباسی بنا به ملاحظات امنیتی احداث این شهر را در شرق بغداد کلید زد. منصور از یک سو نگران شورش‌ها و نا امنی داخل بغداد بود و از سوی دیگر بیم شورش سپاهیان و دخالت آن‌ها در امور سیاسی را داشت. از این رو برای این‌که در مواقع ناآرامی شهر بغداد بتواند از نیروهای نظامی کمک بگیرد و هم چنین این نیروها را بهتر تحت کنترل و نظارت فرزندش مهدی عباسی درآورد، تشخیص داد شهرکی نظامی بسازد. بنابراین، سپاهیان عباسی را در آنجا مستقر کرد و شهرکی نظامی ایجاد کرد. (طقوش ۱۳۸۳: ۶۳، مکی ۱۳۸۳: ۱۲۵).

همین امر در مورد تأسیس رصافه‌های دیگر. به ویژه رصافه قرطبه و رصافه قیروان نیز قابل تعمیم است. زیرا حاکمان بنی‌اعلم و امویان اندلس به خاطر مسائل امنیتی اقدام به احداث قصرهایی خارج شهر برای خود کردند. در مورد یکی از رصافه‌های شام بنام رصافه مصیاف بنا بر گزارش منابع جغرافیایی این مکان قلعه‌ای نظامی در منطقه ثغور اسلامی بوده است و ظاهراً فقط کارکرد نظامی داشته است (حافظ ابرو ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۷۱). بنابراین، به نظر می‌رسد

یکی دیگر از وجوه مشخص و متمایز رصافه‌ها در مقایسه با دیگر شهرهای اسلامی، غلبه مؤلفه‌های امنیتی و نظامی بردیگر ویژگی‌های شهر سازی جهان اسلام می‌باشد.

۵.۵ رصافه‌ها و کارکرد تفریحگاهی آن [مکانی برای تفریح و تفرج خلفا و امراء]

از بارزترین مشخصه‌های رصافه‌های جهان اسلام، وجود باغ و بستان‌های زیبا و پر از درختان میوه و گل‌های رنگارنگ بوده است. آن طور که منابع جغرافیایی توصیف می‌کنند: گویا خلفا و امراء برای استراحت در اوقات فراقت به رصافه می‌رفتند و در آنجا به تفریح و تفرج مشغول می‌شدند. بنابر گزارش جغرافی‌دانان مسلمان در رصافه هشام باغ بزرگی احداث گردید (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۸) در رصافه قرطبه، عبدالرحمن اول در کنار قصرش، باغ‌های زیبا از درختان که از نواحی مختلف جهان اسلام جمع‌آوری کرده بود، ساخت و بیشتر اوقاتش را آنجا به تفریح می‌گذرانند (مقری ۱۹۶۸: ج ۱، ۴۶۶ - ۴۶۷؛ یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۸). مهدی عباسی در رصافه بغداد نهرهایی از رودخانه دجله جاری کرد و باغی بزرگ در آنجا فراهم کرد (ابن فقیه ۱۴۱۶؛ ۲۸۹). ظاهراً این شهر در دوره‌های بعد محل حرمسرای خلفای عباسی شد و خلفاء ایام فراغت را با زنان خویش در آنجا می‌گذرانند (ابن طیفور ۱۹۰۸: ج ۱، ۱۹؛ العلی ۱۴۱۱: ۳۸-۳۹). هم چنین برخی از رصافه‌ها به عنوان روستا یا چشمه‌سارهایی نام برده شده که در مجاورت و نزدیکی شهرهای بزرگ جهان اسلام یاد شده است. از جمله؛ رصافه واسط که روستایی در ۱۰ فرسخی شهر واسط بوده است (ابن عبدالحق بغدادی ۱۴۱۲: ج ۲، ۶۱۷)، رصافه قنسرین که روستایی در نزدیکی همین شهر بوده است (ابن عدیم، بی تا: ج ۵، ۲۱۰۴)، رصافه حجاز که چشمه سار و آبگاهی در حجاز بود (یاقوت ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۹)، رصافه ارجان که روستایی در نزدیک شهر ارجان فارس بود (ابن بلخی ۱۳۷۴: ۴۲۱، ۳۵۲؛ مقدسی ۱۴۱۱: ۲۷) و رصافه نیشابور که آن هم روستایی در نزدیک نیشابور بوده است (یاقوت، ۱۹۹۵: ج ۳، ۴۷). منابع اطلاعات چندانی از این نوع رصافه ارائه نکرده‌اند و فقط به ذکر نام آن‌ها اکتفاء کرده‌اند. اما احتمال می‌رود که این رصافه‌ها هم اماکنی برای استراحت و تفریح حاکمان و امراء بوده باشد. زیرا بیشتر در نزدیک شهرهای حاکم‌نشین احداث می‌شدند.

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعه متون جغرافیایی و منابع تاریخی و با توجه به چهارچوب نظری پژوهش، به نظر می‌رسد رُصافه‌ها در میان انواع شهرهای جهان اسلام گونه‌ای از شهرهای نوین‌یاد اسلامی بودند که از الگوی شهرسازی کهن و باستانی پیروی می‌کردند. گرچه این نوع شهرها بر طبق الگوی شهرهای رومی-ایرانی در پیرامون و نزدیک شهرها احداث شدند، اما در دوران اسلامی دچار تغییرات بنیادین در عناصر کالبدی شده و مولفه‌های اسلامی بر آنها مستولی گشت. بدین ترتیب، رُصافه‌ها دارای عناصر اصلی همانند مسجد، کاخ و قصر، بازار و محله شدند. ویژگی اصلی رُصافه‌ها به ویژه در مقایسه با ربض‌ها (به عنوان عنصری از عناصر فضای کالبدی شهر) این بود که عمدتاً با فاصله نسبتاً کمی در نزدیکی شهرهای بزرگ یا امصار تاسیس می‌شدند. این امر به دلیل نوع کارکرد و کاربرد این نوع شهرها در جهان اسلام بود، زیرا رُصافه‌ها با هدف بنای کاخ‌ها و قصور جهت اقامت خلفاء، حکام و کارگزاران آنها ساخته می‌شد. علاوه بر این، رُصافه‌ها دارای کارکرد سیاسی، نظامی و امنیتی بودند. هم چنین مکانی مناسب جهت تفریح، تفرج و سرگرمی برای حاکمان مسلمان به شمار می‌آمدند.

کتاب‌نامه

- ابن بطوطه (۱۴۱۷)، *الرحله*، تصحیح و چاپ محمدعبدالمنعم، بیروت: دارصادر.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارسنامه ابن بلخی*، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل (۱۹۳۸)، *صورة الارض*، بیروت: دارصادر.
- ابن خردادبه (۸۸۹)، *مسالك و الممالک*، بیروت: دارصادر، افسست لیدن.
- ابن خلدون (۱۹۸۸)، *تاریخ ابن خلدون*، تصحیح و تحقیق خلیل شحاده و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن سینا (۱۳۸۰)، *الشفاء، الالهیات*، تصحیح ابراهیم مدکور و دیگران، قاهره: بی‌نا
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۲۰۰۴)، *تاریخ بغداد*، تصحیح و چاپ سید عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن عدیم، کمال الدین (بی تا)، *بغیه الطلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارالفکر.
- ابن فقیه همدانی، (۱۴۱۶)، *البلدان*، بیروت: عالم الکتب.
- ابن منظور (۱۴۰۵)، *لسان العرب*، قم: ادب الحوزه.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*: دوره اول، ش ۴، تهران.
- اصطخری (۲۰۰۴)، *مسالك و الممالک*، بیروت: دارصادر، لیدن افسست.

۲۱۸ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- بستانی، فواد افرام (۱۹۸۵)، *رصفه هشام و رقه الرشید*، بیروت: بی نا.
- بغدادی، ابن عبدالحق (۱۴۱۲)، *مرصد الاطلاع على اسماء الامکنه و البقاع*، بیروت: دارالجيل.
- برقی، السيد (۱۴۲۵)، *تاریخ الکوفه*، تحقیق و تصحیح ماجد احمد العطیه، بغداد: المکتبه الحیدریه.
- بکری اندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۴۰۳)، *معجم ما استعجم من اسماء البلاد و الموضع*، بیروت: عالم الکتب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: داروالمکتبه الهلال.
- بنهولو، لئوناردو (۱۳۹۳)، *تاریخ شهر (شهرهای ایلامی و اروپایی در قرون وسطی)*: ترجمه پروانه موحد، تهران: نشر دانشگاهی.
- بهنسی، عقیف (۱۹۷۵)، «*القصور الشامیه و زخارفها فی عهد الامویین*»، *الحوالیات الاثریه العربیه السوریه*: ج ۲۵، ش ۱ و ۲.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف اله (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو*، تهران: میراث مکتوب.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۳)، *از شمار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسون، مصطفی (۱۴۰۳)، «*الرصفه ایام الغساسنه*»، *دارسات تاریخیه*: ش ۱۱.
- حلو، عبدالله (۱۹۹۹)، *تحقیقات تاریخیه لغویه فی الاسماء الجغرافیه السوریه*، بیروت: بی نا.
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم (۱۹۸۴)، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، بیروت: مکتبه لبنان.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۲۲)، *تاریخ مدینه السلام*، تصحیح و چاپ بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- زبیدی (۱۴۱۴): *تاج العروس*، تصحیح و چاپ علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- سلطانی زاده، حسین (۱۳۶۵)، *مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی.
- شبارو، عصام (۲۰۰۲)، *الاندلس من الفتح العربی المرصود الی الفردوس المفقود*، بیروت: دارالنشر.
- شریف ادیسی، ابو عبدالله (۱۴۰۹)، *نزهه المشتاق فی اختراق الافاق*، بیروت: عام الکتب.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷-۱۹۶۲)، *تاریخ طبری*، تصحیح و چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار صادر.
- طوقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- عبادی، احمد مختار (بی تا)، *فی تاریخ العباسی و الاندلسی*، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- علی، جواد (۱۹۷۶-۱۹۷۸)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: مکتبه النهضه.
- علی، صالح احمد (۱۴۱۱)، «*رصفه بغداد و اطرافها*»، *نشریه المجمع العلمی العراقی*: ج ۴۱، ش ۲، صص ۵-۵۹.
- عنان، محمد عبدالله (۱۹۹۷)، *دوله الاسلام فی اندلس*، قاهره: مطبعه المدنی.

تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد رُصافه‌ها در شهرسازی اسلامی (مهدی عزتی) ۲۱۹

غزی، کامل (۱۹۹۳-۱۹۹۱)، کتاب *نهرالذهب فی تاریخ حلب*، تصحیح شوقی شعث و محمود فاخوری، حلب: دار القلم.

فارابی (۱۹۹۵)، *آراء اهل المدینه الفاضله و مضادافه*، تصحیح و چاپ علی بوملحم، بیروت: دار و المكتبه الهلال.

قدامه بن جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج و الصناعه الكتاب*، بغداد: دارالرشید.

کوئنو، پائولو (۱۳۸۴)، *تاریخ شهرسازی در جهان اسلام*، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری.

کولویتس، وولف و یرت وولتر کارناپ (۱۹۶۴): «حفریات الرصافه»، تعریب قاسم طویر، *الحوالیات الاثریه العربیه السوریه*: ج ۱۴، ش ۱.

مقدسی، ابو عبدالله (۱۴۱۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، قاهره: مکتبه کدبولی.

مقری تلمسانی (۱۹۶۸)، *نفخ الطیب من غصن الاندلس الرطیب*، بیروت: دارالفکر.

مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.

نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، *پویایی نظام شهری در ایران*، تهران: مبتکران.

یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دارصادر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲)، *البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

Marçais, William (1928), "L'islamisme et la via urbaine", *Comptes rendus des séances de l'academie des inscriptions et belles-lettres*, vol.72, no1.

Raymond, Andre (2002), *Arab cities in the ottoman period: cairo, Syria and Maghreb*. Aldershot: Engl.

Ettinghausen, Richard (1973), "Muslim cities: old new", in *from Madina to metropolis: heritage and change in the Near Eastern city*, ed. I. Carl Brown, Princeton, N.J.: The Darwin Press.

Lopidus, M (1973), "Traditional Muslim cities: structure and change", in *from madina to metropolis, heritage and change in the Near Eastern city*, ed I. Carl Brown, Princeton, N.J.: The Darwin Press.

Creswell, Keppel Archibald Cameron, (1989), *Ashort account of early Muslim architecture*, revised and supplemented by James W. Allan, Aldershot: Engl.